

# نقد و بررسی کتاب

فریدون وهمن

احمد تفضلی

تاریخ ادبیات ایران پیش از اسلام

به کوشش ژاله آموزگار

انتشارات سخن، تهران ۱۳۷۶

صفحات: ۴۵۲

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

این زمان غم دامنم بر تافته ست

بوی پیراهان یوسف یاته ست

یک سال پس از مرگ ناگهانی و جانگداز استاد احمد تفضلی استاد زبانهای کهن ایرانی در دانشگاه تهران، کتاب گرانقدر او تاریخ ادبیات ایران پیش از اسلام به دست علاقه مندان فرهنگ و تمدن ایران می رسد.

در پائیز سال ۱۳۶۳ دکتر تفضلی در کینهاگ اقامت داشت و استاد میهمان دانشگاه ما بود. در همان زمان برای تکمیل مقاله ای، نامه ای حضور استاد دانش پژوه تقدیم داشتم و از ایشان سراغ نسخ خطی برخی قیامت نامه ها و دجال نامه ها را گرفتم. استاد تفضلی نیز چند خطی برای استاد دانش پژوه نوشت. آقای دانش پژوه به لطف نامه ما را پاسخ داد و در

پایان مرقوم فرمود: «از آقای تفضلی بخواهید که تاریخ ادبیات زردشتی را در ایران بنویسند تا ما بیسوادها آن را بخوانیم... خدا کند که ایشان از خستگی به در آیند...».

دکتر تفضلی که از سالها پیش خود در فکر نگارش چنین اثری بود، بعد از خواندن نامه شرحی از مشکلات کار و بزرگی و وسعت آن بیان داشت و مخصوصاً بر این نکته تکیه نمود که چنین کتابی نباید فقط شرح آثار بازمانده از ادبیات زردشتی باشد بلکه باید تمامی ادبیات کهن ایران را در همه لهجه ها و زبانهای ایرانی در برگیرد و نیز باید کتابشناسی جامعی داشته باشد تا خواننده بتواند به آسانی به مقالات و کتابهایی که در زمینه آن آثار نگاشته شده دسترسی یابد. سپس با آشنایی نزدیکی که با دانش پژوه داشت شرحی از دانش فراوان و افقهای گسترده اندیشه او بیان داشت از جمله این که چگونه با آن که حوزه تخصصی ایشان نسخه شناسی کتابهای دوران اسلامی است با این حال توجه و علاقه فراوان به ادبیات پیش از اسلام نیز نشان می دهد.

اینک هر دوی آن بزرگمردان روی در نقاب خاک کشیده اند. دانش پژوه به سن کهولت رسید و دیده از جهان بست و دکتر تفضلی در اوج خلاقیت و شکوفایی علمی خود در یک حادثه مرگبار به قتل آمد ولی سرانجام آرزوی یکی و سالها کوشش دیگری به ثمر نشست و این کتاب گرانبها و پر ارج دیده دوستداران فرهنگ ایران را روشن ساخت.

کتاب آن چنان که از نامش پیداست معرفی دقیق تمامی آثار بازمانده به زبانهای ایرانی دوران پیش از اسلام است. به همین سبب نخستین بخش به شرح زبانهای ایرانی اختصاص یافته و مخصوصاً درباره این سنت که چرا در ایران پیش از اسلام معمول نبوده است آثار دینی و ادبی را روی کاغذ بیاورند بحث، و به چگونگی رواج «سنت شفاهی» که ضامن حفظ سینه به سینه این آثار بوده اشاره شده است.

در بخش ادبیات مادی، از آن جا که هیچ سند و نوشته ای از آن دوره بر جای نمانده از آثار مورخان یونانی چون آنتوس و گزنوفون و کتزیاس و غیره که اشاره به داستانها و روایات و افسانه های رایج در ایران دارند مطالب موجود نقل گردیده است.

در فصل مربوط به ادبیات فارسی باستان (دوران هخامنشی) کتیبه های بزرگ و کوچک بازمانده از این دوران صرف نظر از آن که به چه زبانی نوشته شده همراه با تاریخ و محل آن معرفی گردیده و شرحی از مندرجات و سبک نگارش آنها بیان شده است.

در فصل ادبیات اوستایی پس از معرفی کتاب اوستا، اوستای گاهانی و اوستای متأخر

و بخشهای مختلف آن شرح داده شده و مندرجات یسناها، خرده اوستا، یشت ها، آفرینگان، و غیره بیان گردیده، اوزان شعری اوستا بحث شده و سرانجام فصل جداگانه ای به سرگذشت کتاب اوستا و نقل آن به خط اوستایی اختصاص یافته است.

در بخش دوران اشکانی از آن جا که هیچ نوشته دینی یا غیر دینی از این زمان در دست نیست کتیبه های پارسی از سنگ نوشته و چرم نوشته و سفال نوشته و فلز نوشته و خطوط روی دیوار و یا سکه ها چه از دوران اشکانی و یا دوران ساسانی نقل گردیده است.

بزرگترین بخش کتاب را آثار دوران ساسانیان و آثار بازمانده به زبان پهلوی تشکیل می دهد. در بخش کتیبه ها آنچه کتیبه در زمان ساسانیان چه به خط پهلوی کتیبه ای و یا خط پهلوی کتابی به دست آمده اعم از آن که دوزبانه یا سه زبانه و یا کتیبه های سلسله سلطنتی و یا کتیبه های خصوصی باشند نقل گردیده است. آثار بازمانده از شاهان ساسانی و یا موبد موبدان با آوردن تاریخ و محتوای آن بیان گردیده و در بخش کتیبه های خصوصی سنگ مزارها، پاپروس نوشته ها، پوست نوشته ها، سکه ها و مهرها و مهرواره ها مورد بحث قرار گرفته اند.

فصل ادبیات زردشتی با بحث مشروحی درباره زند و پازند یعنی ترجمه ها و تفسیرهای اوستا به پهلوی شروع می شود و سپس تألیفات متعددی که در موضوعهای گوناگون به زبان پهلوی انجام گرفته جداگانه طبقه بندی شده شرح داده می شود مثل متون فلسفی - کلامی، کشف و شهود و پیشگویی، افسون و تعویذ، اخلاقیات، اندرزنامه ها (همراه با اندرزهای پهلوی در کتابهای دوران اسلامی)، رسالات در آیین کشورداری، خطبه های هنگام جلوس بر تخت، چیستانها، مناظره و مفاخره، تاریخ و جغرافیا، فقه و حقوق، رسالات کوچک تعلیمی، داستانهای مشهور (مثل هزار افسان، سندبادنامه، بلوهر و یوداسف، کیله و دمنه، طوطی نامه، اسکندرنامه)، شعر پهلوی، کتابهای علمی، فرهنگها، سپس نسخه های خطی پهلوی موجود در کتابخانه های بزرگ شرح داده شده است.

بخش بعد مربوط به معرفی یکایک آثار مانوی است اعم از آنچه در رابطه با خود مانوی از آن یاد می شود و یا پیروان او نگاهشته اند.

آخرین بخش کتاب مربوط به ادبیات زبانهای ایرانی میانه شرقی مثل سغدی، سکائی، خوارزمی و بلخی اعم از آثار بودایی یا مانوی و مسیحی می باشد.

\*\*\*

در مورد ادبیات قبل از اسلام آثار دیگری نیز موجود است. از جمله سه مقاله ای که گلدنر (K. F. Geldner)، وایسباخ (F. H. Weissbach)، و وست (E. W. West) در کتاب

و یا *Grundriss der Iranischen Philologie* (Strassburg, 1896-1904) نگاشته اند. و کتاب تاوادی درباره ادبیات فارسی میانه *J. C. Tavadia, Die mittelpersische Sprache und Literatur der Zarathustrier* (Leipzig, 1956) اثر زیر: *Handbuch der Orientalistik, I, IV: Iranistik, 2. Abschnitt: Literature, Lieferung I* (Leiden 1968). ولی اثر دکتر تفضلی از لحاظ جامعیت و این که همه زبانهای کهن ایران قبل از اسلام را در بر می گیرد کاری تازه و درخور اهمیت است و به واقع مانند دائرة المعارفی است که تمام اطلاعات لازم را در اختیار علاقه مندان قرار می دهد.

بخش کتابشناسی این اثر گراندقدر شامل بیش از ۶۰۰ نام از آثار و کتابهایی است که در زمینه ادبیات فارسی پیش از اسلام درج شده و فهرست اعلام آن راهنمای خوبی برای یافتن مطلب مورد علاقه می باشد.

دکتر تفضلی در آخرین روزهای حیات خود نمونه های چاپی این اثر را غلط گیری کرد و آن روز شوم که جسد او را در بیابانهای پونک در غرب تهران یافتند آن نمونه ها که قرار بود به چاپخانه تحویل شود در کیفش در اتومبیل دست نخورده یافت شد. خانم دکتر آموزگار استاد زبانهای کهن ایرانی در دانشگاه تهران و همکار دیرین و دانشمند دکتر تفضلی، دروغ دید که کار چاپ این کتاب به انجام نرسد. آن طوز که خود در مقدمه نوشته:

به پاس دوستی بی دریغ و دیرین و دیرپا و به پاس همکاریهای صمیمانه سالیان دراز وظیفه خود دانستم که دنبال کار را بگیرم و این کار ناتمام را به اتمام برسانم. به خصوص که من شاهد تدوین صفحه به صفحه این کتاب بوده ام، اشتیاق او را در گردآوری این مجموعه بارها تحسین کرده ام، برق شادی را در چشمان او، از این که یادداشتهای سالیان دراز عمر پر بارش به ثمر رسیده است، به چشم دیده ام و احساس رضایت و شادمانی او در آخرین روز زندگی (۲۴ دی ماه ۱۳۷۵)، وقتی با غرور تمام کتابنامه کامل این اثر را به من نشان می داد، بر صحیفه حافظه ام جاودانه نقش بسته است.

استاد آموزگار با کوشش در انتشار این اثر گرانبها پاس دوستی را با دکتر تفضلی به نیکوترین صورت به جای آورد و یکی از مهمترین تألیفات آن مرد بزرگ فرهنگ ایران را چون تاجی درخشان بر تارک دستاوردهای علمی او افزود.

بخش تحقیقات ایرانی، دانشگاه کینهایگ